

بقلم : آقای عبدالوهاب قائم مقامی

## طهران یا تهران؟

در شماره فروردین ماه گذشته مجله شریفه‌ارمغان شرحی بقلم شیوای دانشمند محترم آقای ابراهیم صفائی در موضوع طهران که بسیار بموقع و بجا بود زیارت شد با اجازه واستیذان از آن دانشمند محترم و تأیید مرقومه ایشان جملات زیر از نظر قارئین محترم میگردد :

ژنرال ساکس انگلیسی در تاریخ دو جلدی ایران خود راجع بوجه تسمیه طهران نوشته است که چون در ری زلزله بسیار واقع میگردد بدینجهت مردم ری طهران را ساخته و در آنجا اقامت گزیدند نظر باینکه در آنجا زلزله واقع نمیشد آنرا طاهریه نامیدند یعنی پاک و مصون از زلزله و بعداً از کثرت استعمال طاهریه طهران شده است .

بعقیده نگارنده يك جمله این قول را میتوان مطابق با واقع دانست و يك قسمت آنرا نمیتوان قبول نمود بدین طریق که ذکر میشود :

جمله را که میتوان مطابق با واقع دانست آنستکه چون مطابق ضبط در تواریخ طاهر بن الحسین ملقب بذو الیمینین از طرف مأمون که در مرو بود در ری بر علی بن عیسی بن ماهان و سپاهش که از بغداد از طرف محمد امین آمده بود غالب آمده و علی بن عیسی در جنگ کشته شد و طاهر سر او را بمر و نزد مأمون گسیل داشت لذا بواسطه این فتح که خلافت بر مأمون مسلم شد فرمان داده که دهی در محل جنگ بنا کرده و بنام خود طاهریه یا طاهران بنامد و بعداً از کثرت استعمال طاهران طهران شده است .

اما جمله که نمیتوان قبول نمود اینست که این اسم و نام بواسطه عدم وقوع زلزله باو داده نشده بلکه با اسم طاهر بن الحسین موسوم بوده و سپس چون مردم دیدند که زلزله در آنجا واقع نمی شود کم کم ری را ترك و در آنجا سکونت گزیدند و رفته رفته صورت شهری بخود گرفت .

اینکار و عمل یعنی ساختن دهکده در محل وقوع جنگهای بزرگ اشیاء و نظایر در قدیم و جدید داشته از جمله وقتیکه خسرو پرویز از بهرام چوینبه شکست یافته و بدولت روم پناهنده گردید زمانیکه باقشون روم بایران معاودت نمود اولین مرتبه که بابهرام مصاف داده و فاتح گردید در نزدیکی خوی در آذربایجان بود و چون فائق و غالب آمده بود لذا بعداً امر داد که در آنجا دهی آباد نمایند و بنام خسرو آباد موسوم نمود که هنوز بهمان نام باقی است و در کوهی که در حوالی آن قریه واقع است صورت رزم خسرو و بهرام را نقش کرده اند که تا کنون باقیست .

و نیز جمس فریزر انگلیسی در تاریخ نادر شاه افشار نوشته است که نادر شاه پس از معاودت از دهلی چون بصحرای گرنال که محل وقوع رزم و شکست محمد شاه بود رسید حکام و زمین داران آنجا را احضار نموده و مبلغی پول بآنها داده و فرمان داد که در محل اردوی نادری دهی آباد نموده و فتح آباد نام بگذارند .

نظر بمراتب فوق میتوان ظن نزدیک یقین حاصل نمود که طهران بامر طاهر بن الحسین ذوالیمینین و باطایفه طاهریان که بسلطنت رسیده اند ساخته شده و اسم اصلی آن طاهریه - یا طاهران - و یا طاهریان بوده است که از کثرت استعمال طهران شده است .

و نیز در وجه تسمیه شهر تبریز نوشته اند که سیده زبیده زن هارون الرشید خلیفه عباسی مبتلا بتب شده و هر چه کردند علاج نشد بالاخره اطباء گفتند باید تغییر آب و هوا بدهد بدین جهت بحدود آذربایجان آمده و در محل شهر تبریز اقامت نموده چندی در آنجا بود تا تبش قطع شد و وقتیکه بهبودی یافت و خبر بهارون رسید باو نوشت که چون حالت خوب شده ببغداد معاودت کن زبیده در جواب نوشت :

لخلة طريد في كوز جديد احب من بغداد وهارون الرشيد .  
 وبعداً امرداد درمحل اردوی خود شهری بنا نموده وبتبریز موسوم ساخت .  
 مرحوم میرزا ابوالقاسم قائم مقام جد نگارنده در قصیده فرموده است :  
 دلی دیوانه دارم و ندران دردی نهران دارم  
 که گر پنهان کنم در آشکارا بیم جان دارم  
 مرا تبریز تب خیز است و لب از شکوه لبریز است

چه آذرها بیجان از دست آذربایجان دارم

اما در موضوع اینکه چطور طاهریه یا طاهریان یا طاهران طهران شده دلیلی واضح دارد و آن بواسطه زبان اهالی طهران چنین شده است چنانکه ذکر میشود .  
 در طهران امامزاده ایست موسوم بسید ناصرالدین ع ولی تمام اهالی اکنون سید نصرالدین میگویند چنانکه اگر فرضاً کسی سید ناصرالدین بگوید یا سؤال کند جوابی نخواهد شنید و بدین دلیل میتوان گفت که طاهریان یا طاهران طهران شده است .

شهر طهران تازمان سلطنت شاه طهماسب اول پادشاه صفوی دهکده بیش نبود از آن تاریخ که در حدود سنه ۹۶۱ هجری بود نجمالدین ثانی وزیر بامر شاه حصارى بر گرد آن کشیده و خندقى نیز حفر کرده و بر حصار آن یکصد و چهارده برج بعدد سور قرآن قرار داده و در زیر هر برجى یکى از سور قرآن را دفن نموده برای حفاظت، و معروفست که آنرا بطالع عقرب بنا کرده که از حرق و غرق و زلزله مصون بوده باشد و آنشهر را بشکل انگشتى بساخت که نگین آن ارك سلطنتى بود که دارای باره و خندق علیحده بود و حلقه آن اصل شهر بود و ارك دولتى در قسمت شمال شهر واقع شده بود که فعلاً مرکز شهر است .

و بز آن پنج دروازه قرار دارد که این اسامی را داشتند :

دروازه ارك در شمال .

دروازه شمیران در شمال شرقی .

دروازه دولاب در مشرق .

دروازه حضرت عبدالعظیم در جنوب .

دروازه قزوین در مغرب .

بعداً که از زمان آقا محمد خان قاجار طهران پای تخت گردید محمد شاه قاجار سوم پادشاه قاجار به در جنوب شهر طهران دروازه باز کرده بنام دروازه محمدیه موسوم گردانید . شهر طهران قبل از اینکه صورت شهری بخود بگیرد دارای چهار محله بوده است که هنوز هم بهمان اسامی نامیده شده و معروف میباشند مطابق شرح زیر :

محله عودلاجان در شمال شرقی .

محله چاله میدان در جنوب .

محله سنگلج در مغرب .

محله بازار در مرکز .

در موضوع وجه تسمیه محلات طهران آنچه بنظر میرسد اینست : سنگلج در اصل سنگلاخ بوده از کثرت استعمال سنگلج شده است مثل اسم خود شهر طهران که تغییر کرده و باین شکل در آمده است .

و عودلاجان هم در اصل کوی عود زنان بوده که مقصود مطرب و زننده عود بوده باشد از کثرت استعمال عودلاجان شده چنانکه هنوز هم در آن محل کوچه نقاره چیان باقی میباشد .

و عودلان را عودسازان یا کوی حلاجان نیز گفته اند .

در موضوع تغییر اسامی نیز مثال دیگری هست که ذکر میشود : در طهران در محله چالمیدان تکیه میباشد معروف بپاطوق عطار از کثرت استعمال پاتھطار شده است .

و همچنین در محله سنگلج تکیه بنام درخونگاه موجود است که در اصل درب خانقاه بوده و باین صورت در آمده است .

بهرامی طهرانی که از شعرای قدیم طهران در زمان صفویه در آنجا میزیسته

دوبیتی بزبان طهرانی قدیم سروده که در آن نام یکی از محلات طهران را برده است. بکوچشان چومشم دل وانم کنم درشم همی مخوام که از این سر پیام و آنسرشم خدا کند که بیفتد بچالمیدان گرگ بزم بهونه کنم گرگ و مونشان درشم و نیز یکی از شعرای معروف طهران که در زمان صفویه بوده و نجم الدین ثانی را که در زمان توقف در طهران برای ساختن برج و باره طهران بود مدح کرده است امیدى طهرانی است .

بعد از آنکه سلطنت قاجاریه شروع شد آقامحمدخان قاجار سرسلسله آنطایفه طهران را بواسطه نزدیکی باسترآباد موطن اصلی ایشان مقرر سلطنت و پهای تخت نموده و بعداً فتحعلیشاه و ناصرالدین شاه سعی بسیار در آبادی آن کرده مخصوصاً ناصرالدین شاه بروسعت آن افزوده و تقریباً از هر طرف شش برابر شهر قدیم بیفزود زیرا شهر قدیم طهران حدودش بشرح ذیل است :

حد شمالی خیابان سپه از چهارراه حسن آباد تا میدان و خیابان برق یا امیر کبیر الی سه راه امین حضور .

حد شرقی خیابان ری از سه راه امین حضور الی میدان شاه .

حد جنوبی از میدان شاه و خیابان مولوی الی مسجد مشیر السلطنه و انتهای

خیابان شاهپور یا فرمانفرما .

حد غربی خیابان شاپور از مسجد مشیر السلطنه الی چهارراه حسن آباد .

مرحوم ناصرالدین شاه خندقی عمیق بر گرد طهران حفر نموده و دوازه

دروازه بر آن قرارداد بشرح ذیل که این اسامی را داشتند .

دروازه دولت - یوسف آباد در شمال شمیران در شمال شرقی .

دروازه دوشان تپه - دولاب - خراسان در مشرق .

دروازه حضرت عبدالعظیم - غار خانی آباد در جنوب

دروازه گمرک - قزوین - باغشاه در مغرب .

و چون در سال ۱۳۰۵ هجری قمری خط راه آهن از طهران بحضرت عبدالعظیم

کشیده شد دروازه مخصوص در حوالی دروازه حضرت عبدالعظیم ع نیز کشیده شد بنام دروازه ماشین که آنوقت طهران دارای سیزده دروازه گردید .

مرحوم ناصرالدین شاه در مدت سلطنت خود جد وافی بکار برده و در آبادی طهران کوشش فراوان کرد . زیرا از عکسی که در یکی از سفرنامه های اروپائیها که در زمان فتحعلی شاه بایران آمده بود دیده شد شهر طهران خیلی شبیه بود بشهر های افریقا و عربستان از حیث ساختمان و بنا و یک برگ سبز در آن که عبارت از یک درخت باشد وجود نداشته ولی بعداً در اواخر دوره ناصری که اینجانب عکسی از شهر طهران برداشته شهر طهران یک باغ بسیار بزرگی دیده می شود که یکی از سیاحان اروپائی طهران را در آن تاریخ دیده بود و اسم آنرا شهر چنار گذاشته زیرا که در خانه نبود که چند درخت چنار وجود نداشته باشد و تمام باغها چنارستان بود نمونه آن سفارت انگلیس است که باقی میباشد و از سالیکه ناصرالدین شاه شهر طهران را بزرگ نمود فرمان داد که شهر جدید را شهر ناصریه در قبالات اسم برده و همینطور هم معمول گردید که در نوشتجات مینوشتند در شهر قدیم طهران یا شهر جدید ناصریه .

پس از انقراض دولت قاجاریه یعنی عصر حاضر از طرف مرحوم رضاشاه کمپرسور دستور بانباشتن خندق دور شهر گردیده و تمام خانه شد و روز بروز بر وسعت شهر افزوده گردید . چنانکه در این تاریخ حدود شهر طهران از انتهای آبادی شمیران است الی حضرت عبدالعظیم و از انتهای اراضی دولاب است الی کرج .

توضیح اینکه این حفر خندق بر گرد شهر نه فقط برای حفظ از دشمن بوده بلکه بدو جهت بود :

اول برای محدود بودن شهر که قابل ضبط و اداره کردن بوده باشد .  
دوم برای دفع سیل بوده است چنانکه در این عصر چند مرتبه دیده شد که بواسطه خراب کردن خندق و سیل گردان سیل در شهر آمده و اسباب خرابی شده است .

اما اولین بنای عمارت سلطنتی در طهران در زمان سلطنت مرحوم کریم خان زنده بود چون طایفه قاجاریه در تحت ریاست محمدحسنخان بن فتحعلی خان قاجار پدر آقامحمدخان سربطغیان برافراشته بودند بنابراین کریم خان از شیراز بطهران آمده و برای سرکوبی قاجاریه باستراباد رفت چون اینکار بطول انجامید وزمستان در رسید لذا بطهران معاودت و اقامت نمود. در مدت اقامتش امر داد طرح عمارتی در طهران ریخته و بنائی ساختند که فعلاً جزو بیوتات سلطنتی و بخلوت کریمخانی معروف میباشد و قنات مهرگرد نیز از کارهای کریمخان مرحوم میباشد.

مرحوم کریم خان در طهران بود که محمدحسنخان در چمن کالیپوش شکست خورده و چون اسبش در گل فرو رفته نتوانست فرار نماید او را دستگیر و کشته و سر او را با پسرش آقامحمدخان و نوهایش فتحعلیشاه و خواهرش بطهران نزد کریم خان آوردند. کریمخان بسیار از کشته شدن محمدحسنخان متألم شده و فرمان داد سرش را در امامزاده زید دفن و آقا محمدخان و فتحعلیشاه و خواهر او را برداشته بشیراز رفت و خواهر او را بزنی اختیار نمود.

پس از استقرار سلطنت بر قاجاریه در طهران چنانکه ذکر شد فتحعلیشاه و بعداً ناصرالدین شاه سایر عمارات سلطنتی را ساخته که فعلاً بعضی از آن باقی است و ناصرالدین شاه عمارت سلطنتی ایران را بگلستان موسوم نمود.

در خاتمه عرایض خود محض مزید اطلاع قارئین محترم اسم قدیم شهر ری را درج مینمایم،

شهر ری تا قبل از غلبه اسلام راژ بوده و در تاریخ روم آنرا راز ضبط کرده و در تورات آنرا راج نام برده و اعراب آنرا ری نامیدند ولی منسوب بآنرا همان رازی میخوانند.

بنا بر مراتب فوق الذکر طهران باید باطاء مآلف نوشته شود نه تاء دو نقطه همانطوریکه آقای صفائی مرقوم داشته اند.